

## بررسی کتاب: الموسوعة القرآنية الكبرى المعجم في فقه لغة القرآن و سر بلاغته

علی صادقی  
عضو حلقه علمی قرآن

چکیده: معجم نگاری از دیرباز مورد توجه مسلمانان بوده است و آثار باقی مانده از عصر طلایی اسلام در عرصه علوم ادبی، طبیعی، زیستی و جغرافیا خود شاهد درستی این مدعاست. در این میان اهتمام ویژه مسلمانان به قرآن کریم باعث خلق آثار بی نظیر شده است که بی گمان کتاب المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته یکی از این شاهکارهاست. از آنجا که این معجم در عرصه بسط مفاهیم و رموز ادبی و اعجاز قرآن گام می نهد، بی شک حقیقت قرآن راهنمای دست اندرکاران طرح بوده است و از سوی دیگر به خاطر انتساب به خورشید پرفروغ مهر و رحمت، عالم آل محمد، حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام دست تأیید اهل بیت علیهم السلام را با خود دارد. با توجه به وجود متن های لغوی، تفسیری، وجوه و نظائر، اختلاف قرائت ها، اعراب، به همراه پژوهش های بدیع و ابتکاری در فقه اللغة القرآن و روش به کارگیری کلمات در قرآن کریم می توان گفت تاکنون کتاب جامعی درباره قرآن با این وسعت و عظمت در دنیای اسلام به رشته تحریر در نیامده است. این مقاله در نظر دارد نمی از یم بی کران این دُرّ درخشان را به عاشقان زلال وحی بچشاند و گوشه هایی از عظمت این کار بزرگ را رونمایی کند و امتیازات آن را گوشزد نماید.

کلیدواژه ها: معجم نگاری، علوم بلاغی، اعجاز، تفسیر، تاریخ، مفردات قرآن، علوم قرآنی.



## آشنایی با گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

گروه قرآن، همزمان با تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی در سال ۱۳۶۴ش بنیاد نهاده شد و در واقع باید آن را هسته مرکزی این کوشش مبارک دانست. این گروه کارش را با طرحی بلند مدت که همین تألیف معجم کبیر الفاظ قرآن است آغاز کرد.<sup>۱</sup>

### مؤلفان معجم و اعضای گروه

سرپرست گروه مؤلفان، استاد واعظزاده خراسانی می‌باشند که به همه مراحل کار اشراف دارند و به‌طور مستمر اعضای گروه را ارشاد می‌کنند. همکاران ایشان، جمعی از فضلاء حوزه علمیه خراسان و تنی چند از اساتید عرب زبان ادبیات عرب می‌باشند که در بخش‌های گردآوری نصوص و تصحیح آن‌ها، ترجمه بعضی از متون فارسی، ویرایش ادبی بخش‌های اصول لغوی و استعمال قرآنی، و تحقیق در بعضی از قسمت‌های کتاب مشغول هستند. نام هر یک و نقش آن‌ها در مقدمه جلد اول آمده است. علاوه بر این، در صفحه قبل از مقدمه و فهرست همه مجلدات، اسامی اعضای گروه با عنوان «المشارکون فی هذا المجلد» ذکر شده است.

استاد محمد واعظزاده به سال ۱۳۰۴ در شهر مقدس مشهد در خانواده‌ای از تبار علم و دین دیده به جهان گشود. وی در دوران طلبگی از سه حوزه پررونق شیعه یعنی نجف، مشهد و قم سیراب شد، سپس به منظور حفظ و گسترش تفکر اصیل اسلامی تصمیم گرفت که در سال ۱۳۳۹ عهده‌دار تدریس علوم قرآن، حدیث و فقه در دانشگاه فردوسی مشهد شود که تاکنون خدمات بی‌شائبه ایشان به ساحت علم و دین ادامه دارد.

### برخی از افتخارات استاد

۱. معظم‌له در طول تدریس و تحصیل مشمول عنایت‌های بسیاری از شخصیت‌های علمی قرار گرفته و از اساتید مبرز حوزه‌های علمیه اجازه‌های روایتی و اجتهاد اخذ کرده است؛ از آن جمله:

---

۱. حمید رضا آذیر، آشنایی با گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهشی، مدخل گروه، ص ۱۹۱۸.



- اجازه اجتهاد از علامه سیدمحمدحسین طباطبایی.
- اجازه کتبی یا شفاهی حدیث از مرحوم آیةالله بروجردی و شیخ آقا بزرگ تهرانی.
- اجازه اجتهاد از آیةالله آقای سیدصدرالدین جزایری.
- اجازه روایت از علامه سمنانی، آیةالله رامهرمزی، علامه شوشتری و دو نفر از علمای سوریه و قاهره.

۲. استاد به موازات تدریس و پژوهش در بسیاری از مجامع علمی داخلی و خارجی به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است. معظم له حدود ۵۳ سفر به ۳۰ کشور جهان انجام داده و با شخصیت‌های مختلفی دیدار کرده است که دستاوردهای علمی و فرهنگی بی‌شماری را برای جهان اسلام و ایران و مذهب اهل بیت در پی داشته است.

۳. ایشان یازده اثر تألیفی و حدود هفت مورد نیز تصحیح، تحقیق، تعلیق و ترجمه دارند که کتاب المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته یکی از این‌ها می‌باشد. شایان ذکر است که از استاد حدود صد و ده مقاله نیز منتشر شده است.<sup>۱</sup>

### مراحل تدوین کتاب

۱. فیش‌برداری از مباحث لغوی تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۱۴۶۰ق) به مناسبت کنگره هزاره شیخ طوسی در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۲ق توسط استاد واعظزاده.
۲. مقابله نمودن فیش‌ها با همکاری استاد الهی خراسانی.
۳. اضافه کردن مباحث لغوی سایر تفاسیر، غریب القرآن و منابع دیگر. این کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در کتب لغت مطالبی آمده که در تفاسیر راه نیافته است، درحالی که در فهم قرآن نقش مؤثری دارد.
۴. گردآوری منابع و گزینش بهترین چاپ‌ها و حواشی و شروح آن‌ها.
۵. گزینش همکاران طرح از فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی.
۶. آموزش شیوه کار به همکاران.

۱. عباسعلی سلطانی، «زندگینامه استاد محمد واعظ زاده خراسانی»، مطالعات اسلامی، ش ۶۰.



۷. تهیه بیش از ۲۰۰ هزار فیش از منابع مختلف بجز معجم‌های لغوی که هنگام تألیف به آن‌ها رجوع شده است.
۸. تألیف کتاب بعد از انتخاب ترتیب مناسب.<sup>۱</sup>

### اهداف معجم و جایگاه آن در علوم قرآنی

همان‌گونه که نام این کتاب می‌نماید این کتاب معجم یا دایرة المعارف قرآنی است که موضوع آن فقه اللغة قرآن و سر و رمز بلاغت آن می‌باشد.

اسم این کتاب برگرفته از «فقه اللغة و سرّ العربیة» ابن منصور ثعالبی (م ۴۵۰ ق) است که یکی از بزرگان زبان و ادبیات عرب در قرن چهارم و پنجم هجری بوده است. علاوه بر این، این اسم مشخص می‌سازد که قرآن دارای فقه اللغة‌ای ویژه است که ارتباط وثیقی با اعجاز قرآن دارد؛ آنچه در کلام قدما به «نظم قرآن» و در کلام متأخرین به «بیان قرآنی» یا «اعجاز بیانی» مشهور شده است، ولی کسی تاکنون اصطلاح «فقه اللغة القرآن» را به کار نبرده است.

البته شاید اولین کسی که تعبیر «نظم قرآن» را به کار برد ابو عبیده (م ۲۰۹ ق) در کتاب مجاز القرآن خود باشد، که دیگران در طول دوران برای اعجاز و بلاغت قرآن از این عنوان استفاده کرده‌اند و پیشتر از همه جاحظ (م ۲۵۵ ق) عنوان «اعجاز القرآن» را بر کتاب خود نهاد، تا این‌که در دوره معاصر اصطلاح «اعجاز بیانی» و «تفسیر بیانی» از سوی استاد امین خولی و شاگردانش رواج یافت.

استاد واعظزاده مؤلف محترم معجم براین باور است که اصطلاح «فقه اللغة القرآن» از هر تعبیر دیگری در مورد اسرار بیانی و رموز کلام الهی رساتر است؛ چه این‌که در کلمه فقه خصوصاً در کاربرد قرآنی آن، ژرفا و عمق ویژه‌ای نهفته است.

---

۱. محمد واعظزاده، «مقدمه‌ای بر المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته»، مشکوة، ش ۵۶، ۵۷، پاییز

## جایگاه معجم

کتاب المعجم با توجه به موضوعش به پژوهش در زمینه لغات قرآن در کتب غریب القرآن و مفردات القرآن می‌پردازد، چنان‌که به بررسی بلاغت در انتخاب کلمات و رمز اعجاز آنها نیز نظر دارد. بدین‌سان این کتاب، لغت، بلاغت و اعجاز قرآن را با هم داراست. علاوه بر آن، یک تفسیر موضوعی قرآن برحسب کلمات و نه موضوعات و مفاهیم به شمار می‌رود، و مزیت دیگرش آن است که هر یک از اعلام قرآن در این کتاب، به ترتیب حروف معجم در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

## مزایای کتاب

۱. گردآوری متون لغوی مهم برای هر ماده از کلمات قرآن، بر اساس ترتیب زمانی حیات مؤلفان. براین اساس پژوهشگر از مراجعه به کتب لغت بی‌نیاز و با سیر تحول و پیشرفت علم لغت در طول زمان آشنا می‌شود. این خود یک ابتکار است و شایسته است که این روش در دیگر لغات عرب گسترش یابد تا کیفیت تحول آنها دانسته شود.
۲. گردآوردن متون تفسیری ضروری مربوط به هر لغت، با توجه به ترتیب زمانی کتب تفسیری که محققان را از رجوع به کتب تفسیری که غالباً فاقد فهرست و به همین جهت وقت‌گیر است بی‌نیاز می‌نماید.
۳. فقه اللغه هر کلمه را در بردارد و تحول لفظی و معنوی آن را بیان می‌کند و محقق را با ریشه اصلی کلمه «از حیث لفظ و معنی» آشنا می‌سازد.
۴. باعث شناخت مشتقات هر کلمه در قرآن می‌شود و سرّ وقوع شکل‌های متنوع یک کلمه را با توجه به تناسب لفظی و معنوی در هر موضوع بیان می‌کند.
۵. وجوه و نظایر پراکنده را با رعایت ترتیب زمانی گرد می‌آورد که این باعث آسانی کار محقق و صرفه‌جویی در وقت پژوهشگر می‌شود.
۶. اعلام القرآن را از لحاظ لفظ و معنا شرح می‌دهد و یک نمونه کامل از آنچه در کتب تفسیر، تاریخ و معاجم اهل کتاب آمده یکجا می‌آورد و سعی می‌کند تا حدّ ممکن شخصیت‌ها را در سایه قرآن بشناساند.



۷. تبیین سرّ اعجاز قرآنی در لایه لای بررسی کلمات و پرداختن به علت و شیوه بکارگیری آنها در قرآن کریم.

۸. گشودن باب جدید و شیوه‌ای نو برای فهم قرآن و سرّ اعجاز آن و افزودن یک علم جدید به علوم قرآنی که آن علم «فقه لغة القرآن» می‌باشد.

### روش و اسلوب تنظیم معجم

#### ۱. ترتیب مطالب و کیفیت آن

ترتیب کتاب و مواد اصلی آن، به ترتیب حروف تهجی سه حرف اول آن می‌باشد؛ بجز اعلام که برحسب تلفظ آنها مرتب شده است. لذا این معجم با کلمه «آدم» شروع شده است؛ برخلاف سایر فرهنگ‌های قرآنی که آن را ذیل کلمه «آدم» آورده‌اند.

هر کلمه در شش بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اول- شناسنامه و جدول کلمات: ابتدا ریشه کلمات، سپس جمع کل و جزء به همراه ساختار کلمات و عدد سوره‌ها و مکی و مدنی بودن آن، به صورت مجمل و مفصل بیان شده است. به نمونه توجه فرمایید:

۱. أ ت ر: ۱۳ لفظاً؛ ۲۱ مرة؛ ۱۷ مکیه؛ ۴ مدنیه؛ فی ۱۶ سورة؛ ۱۲ مکیه، ۴ مدنیه.

۲. آتَرَ ۱: ۱

۳. آتَرَک ۱: ۱

۴. یؤثرون ۱: ۱-

۵. تؤثرون ۱: ۱

۶. نؤثرک ۱: ۱

۷. یؤثر ۱: ۱

۸. أثر ۲: ۱- ۱

۹. أثاره ۱: ۱

۱۰. آثاراً ۲: ۲

۱۱. آثارهما ۱: ۱

۱۲. آثارهم ۷: ۵- ۲

۱۳. أثری ۱: ۱



یعنی ماده «أ ث ر» در قرآن ۱۳ لفظ است، ۲۱ بار آمده: ۱۷ بار مدنی و ۴ بار مکی، در ۱۶ سوره: ۱۲ سوره مکی و ۴ سوره مدنی.

آن‌گاه جدول کلمات آمده: رقم اول در (آثر ۱ : ۱) اشاره به دفعات ذکر آن است، رقم دوم اشاره به مکی است و مدنی ندارد، و در (یؤثرون ۱ : ۱ -) رقم دوم بعد از خط تیره اشاره به مدنی است و مکی ندارد، و در (آثارهم ۷ : ۵ - ۲) رقم اول جمع کل و دفعات ذکر آن است، رقم دوم قبل از خط تیره مکی است و رقم سوم بعد از خط تیره مدنی است: یعنی (آثارهم) در قرآن ۷ بار آمده: ۵ بار مکی و ۲ بار مدنی.

مدرک و مأخذ گروه در تشخیص اعداد، کتاب المعجم المفهرس، تألیف فؤاد عبدالباقی و معجم الفاظ القرآن الکریم مجمع زبان عربی است که راجع به این موضوع در المدخل، در فصل‌های «عدد الآيات و الكلمات» و «مکی السور و مدنیتها» و «کشف الآيات» بحث شده است.

گفتمی است به منظور فهم بهتر، نگارنده جدول کلمات را به شکل زیر سامان داده است:

ماده	تنوع لفظ	استعمال کلمه	تعداد مکی	تعداد مدنی	تعداد سوره	سور مکی	سور مدنی	۱ :	۱ :	۱ - :	۲ - ۵ :
أ ث ر	۱۳	۲۱	۱۷	۴	۱۶	۱۲	۴	جمع کل	تعداد مکی	تعداد مدنی	تعداد مکی و مدنی

### دوم: متون لغوی

در این بخش، گفتار افراد بر اساس تاریخ وفات آنها آورده شده است و در صدر هر گفتار اسم قائل آن آورده می‌شود و در پایان گفتار شماره صفحه و شماره جلد مأخذ یاد می‌شود. البته در صورتی که مأخذ و منبع در نسبت به مؤلفش مشهور باشد. شایان توجه است که معرفی مختصر این منابع در فهرستی ویژه در آخر جلد اول این کتاب آورده شده است.

مثال: الخلیل: الأثر: بقية ماتری من کل شیء... (۸ : ۲۳۶)



و البته اگر متن گفتار با واسطه اخذ شده باشد، اسم و نشانی مرجع واسطه ذکر می‌شود.

مثال: الکلبی: اثرت بهذا المكان، ای ثبت فیه (ابن فارس ۱: ۵۶)؛ یعنی ناقل کلام کلبی، ابن فارس در کتاب مقایس اللغة، جلد ۱، صفحه ۵۶ می‌باشد. حال اگر همان گفتار از فرد دیگری نقل شود اسم وی ذیل متن آورده شده و اگر عین همان لفظ را گفته باشد عبارت «مثله» را می‌آورد و اگر با لفظ دیگر و با حفظ معنی باشد عبارت «نحوه» ذکر می‌شود و گاهی هم اصلاً به چیزی اشاره نمی‌شود. خصوصاً آن‌جا که می‌دانیم دومی از اولی نقل کرده است و این امر در کتاب‌های لغت و تفسیر فراوان است که سخن دیگری را می‌آورند و گاهی نام او را می‌برند و بیشتر موارد هم نامی نمی‌برند.

در پایان خاطر نشان می‌شود: معمولاً اسم کتاب به دو جهت آورده نمی‌شود:

اول - اشتهار کتاب و به جهت رعایت اختصار.

دوم - فهرست منابع مذکور در آخر جلد اول یا در «مدخل» آورده شده است. البته اگر از کتاب غیرمشهور ذکر شود، اسم کتاب آورده می‌شود؛ مانند: زمخشری که غیر از «الکشاف» از «اساس البلاغه» و «الفائق» او هم نقل می‌شود که به ناچار نام این کتاب‌ها ذیل نص و متن می‌آید تا اشتباهی رخ ندهد.

#### سوم: متون تفسیری

در این بخش نیز همچون گذشته، متون بر اساس تاریخ وفات افراد آمده است. نخست اسم صاحب قول آورده شده و در انتها شماره صفحه و جزء کتاب و یا مرجع دیگر ذکر می‌شود و سپس اگر آن گفتار تکرار شده باشد از عبارت «مثله» یا «نحوه» استفاده می‌شود؛ مثلاً درباره «آثر» ذیل آیه شریفه «فأما من طغى و آثر الحیوة الدنيا» پس از نقل ابوالسعود آمده است: مثله الألوسی (۳ : ۳۶) و نحوه الکاشانی (۵ : ۲۸۲) و البروسوی (۱۰ : ۳۲۷). این دو متن در فهرست و در مصادر همراه کتابشان معرفی شده‌اند.

در این قسمت چند نکته شایان توجه است:

۱. مباحث اعجاز عددی و اعجاز بلاغی ذیل متون تفسیری آورده می‌شود.





۲. متون لغوی اگر چه در متون تفسیری ذکر شده باشد در مباحث لغوی آورده شده؛ اگر چه منابع آن کتب تفسیری می‌باشد به ویژه تفسیر «القرطبی».

۳. نصوص و متون تفسیری گاهی درباره اعلام و برخی مباحث تاریخی نیز مطالبی را یاد کرده است که در این صورت عنوان را به صورت ذیل می‌آورند: «النصوص التاريخية و التفسيرية»

۴. آیاتی که مشتمل بر مشتقات کلمات هستند بر اساس تنظیم و ترتیب مشتقات در جدول کلمات آورده می‌شود که ذیل هر کلمه آیه یا آیات مورد نظر را ذکر نموده، ذیل هر آیه مانند اسلوب پیشین با رعایت ترتیب زمانی مفسران مباحث یاد می‌شود.

۵. اگر متون مشابه تفسیری مزیت ویژه‌ای نداشته باشد ذکر نمی‌شود، مگر جایی که برای رعایت امانت و ضبط تفاوت نصوص عیناً تکرار شود.

#### چهارم: وجوه و نظایر

این مبحث نیز مانند متون تفسیری آورده می‌شود که نیازی به ذکر دوباره نیست.

#### پنجم: اصول لغوی

در این بخش درباره ماده اصلی کلمات تحقیق می‌شود و همچنین معنای اصلی و معنای فرعی و کیفیت انشعاب معنای فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، البته تا آنجا که ذوق و طبع لغوی اجازه می‌دهد و چه بسا گاهی به این نتیجه برسند که اصل در یک ماده اسم می‌باشد نه مصدر یا فعل. البته باید توجه داشت که این گونه مباحث کاملاً ابتکاری است و زمینه‌های جدیدی را برای پژوهشگر ایجاد می‌کند.

به عنوان نمونه در کلمه «أذن» گفته شده که اصل آن «أذن» است نه «إذن» و در این مبحث به اشتقاق الفاظ در زبان‌های دیگر سامی خصوصاً اعلام اعجمی پرداخته می‌شود.

#### ششم: استعمال قرآنی

سرّ این معجم در این بخش نهفته است؛ چه این که در این قسمت به تعداد کلمات از هر ماده با مقدار اهتمام به مفاهیم آنها در قرآن پرداخته می‌شود و همچنین کثرت یا قلت مشتقات آن ماده و نیز علت‌یابی این که چرا یک لفظ به صورت مفرد آمده یا این که یک بار آمده یا این که یک معنای واحد با الفاظ گوناگون آمده با توجه به چگونگی قرار گرفتن آیات و سور و با توجه به فواصل آیات؛ همچنان که مثلاً در کلمه «أباً» گفته شده



که رعایت فاصله یکی از چیزهایی بود که این لفظ به جای کلمات و واژه‌های مترادفش اختیار شده است.

به‌طور کلی در بحث استعمال قرآنی، سرّ و راز و رمز اعجاز کلمه و سرّ سیاق قرآنی کلمه آورده می‌شود، البته این ویژگی خاص این معجم است که در کتب تفاسیر و مفردات، اعجاز و بلاغت قرآنی دیگر آن را نمی‌توان دید.

## گزارشی کوتاه از محتوای کتاب

### المدخل

این کتاب، مقدمه‌ای طولانی دارد. در این مقدمه - که هنوز انتشار نیافته است - جریان «فقه اللغه» و دگرگونی‌های تاریخی آن به‌طور مشروح بیان شده است؛ سپس به علوم قرآنی و انواع و اقسام آن پرداخته می‌شود، که فهرست مطالب آن در بیست عنوان به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بحث درباره «فقه اللغه» در قدیم و عصر حاضر، با تحقیق در کلمه «فقه» در لغت، کتاب، سنت و اصطلاح فقها، و بررسی نخستین کسی که تعبیر «فقه اللغه» را به‌کار برده و ذکر شمه‌ای از مباحث این علم نزد قدما و معاصران در سطح جهان، و تفاوت دیدگاه‌های آنان.

۲. معرفی علوم قرآنی و انواع آنها، تا این معجم جای خود را در میان آن علوم پیدا کند. در این فصل، علوم قرآنی به سه دسته تقسیم شده‌اند: علوم للقرآن، علوم فی القرآن و علوم حول القرآن، و هر یک را شرح داده که کدام یک داخل علوم قرآنی متعارف است و کدام یک خارج از آن و داخل در دیگر فنون ادبی است.

در این پژوهش ثابت شده که علوم ادبی حتی «علم لغت» به‌گونه‌ای از قرآن نشأت گرفته‌اند، و بالاخره این فصل با بحث از علم «فقه لغه القرآن» به پایان برده شده است. گفتنی است که در گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی کتابی به نام «نصوص فی علوم القرآن» به چاپ رسیده که شامل مباحث گوناگون قرآنی با رعایت ترتیب زمانی است که بحث از آن مجال دیگری می‌طلبد.

۳. غریب القرآن و مفردات آن: به منظور بیان تفاوت کتاب «المعجم» با دیگر کتب مفردات و نیز روشن شدن سابقه این علم، تاریخچه تفسیر لغوی از عصر رسول اکرم و



صحابه و تابعین تاکنون، قرن به قرن، مشروحاً بیان شده، البته با توجه به انواع آن؛ مانند مفردات، غریب، معانی القرآن، وجوه و نظائر، که همه در هدف شناخت لغات قرآن مشترک‌اند، اما با هم تفاوت دارند، و نیز با توجه به این‌که بیشتر این کتب به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از منابع این معجم هستند.

در این فصل، به معنی غریب و سرّ وجود آن در قرآن پرداخته شده، و نیز آنچه در تفسیر این گونه الفاظ از رسول اکرم ﷺ نقل شده و اولین اثری که در این باب به‌دست ما رسیده، مانند «مسائل نافع بن ازرق» از ابن عباس، و آثار پس از آن، تا کتاب «معجاز القرآن» ابی عبیده (م ۲۰۹ ق) و ریشه‌های علم بلاغت قرآن در آن که مسلماً دستمایه کتاب «معجاز القرآن» جاحظ و سرانجام منشأ پیدایش علمی به نام «علم البلاغه» گردید که بعداً توسط عبدالقادر جرجانی (م ۴۷۱ ق) در قرن پنجم هجری به کمال خود رسید، و نیز معرفی علمای این علم و اندازه تأثیرپذیری هر یک از دیگری و به‌طور کلی، شرح وضعیت ادب عربی در قرن سوم و چهارم هجری و رابطه‌ای که میان علوم قرآنی و علوم ادبی در آن برهه وجود داشت، به‌طوری که کمتر دانشمند نحوی یا لغوی یافت می‌شد که با قرآن و علوم آن ناآشنا باشد.

سپس از اصطلاح «معانی القرآن» و کتاب‌های آن سخن گفته شده است و نیز از اصطلاح «الوجوه و النظائر» و تاریخچه آن و مباحثی از این قبیل که گسترده‌ترین فصل «المدخل» را تشکیل می‌دهد.

۴. معرفی تفاسیر لغوی و بلاغی قرآن کریم: که حاوی بخش عظیمی از لغات قرآن و از منابع مهم این معجم هستند. در این فصل افزون بر آن به بررسی اختلاف آن‌ها و بیان مزایای هر یک و حدود اقتباس و تأثیرپذیری‌شان از یکدیگر نیز پرداخته شده است.

این فصل با تفسیر «جامع البیان» امام المفسرین طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق) که مادر تفاسیر بعدی است و هر چند که مهم‌ترین تفسیر مأثور است، اما مایه‌های لغوی در آن بسیار است، آغاز می‌گردد. سپس تفسیر «تبیان» شیخ طوسی شیخ الطائفه امامیه و «کشاف» زمخشری (م ۵۳۸ ق) پیشوای معتزله و «مجمع البیان» طبرسی (م ۵۴۸ ق) از بزرگان امامیه، و «مفاتیح الغیب» فخر رازی (م ۶۰۶ ق) پیشوای اشاعره در زمان خود، و



همچنین تفاسیر مهم دیگر پس از آنان تا آثار تفسیری معاصران یک به یک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵. معرفی مهم‌ترین معاجم و فرهنگ‌های لغت عرب، با بیان سبک و ویژگی و شأن و جایگاه هر یک، و اندازه و مقدار توجه آن‌ها به «فقه اللغه» به معنای قدیم یا جدید آن، که بخش مهمی از «المعجم» را تشکیل می‌دهد. این فصل با بحث در کتاب «العین» خلیل بن احمد (م ۱۷۵ق) آغاز می‌شود و «صحاح اللغه» جوهری (م ۳۹۳هـ) و «مقاییس اللغه» ابن فارس (م ۳۹۵ق) و «المحکم» ابن سیده (م ۴۵۸ق) و کتاب «قاموس» فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) و کتب لغت پس از آن در ادامه می‌آید. این فصل، محققان را در عالم معاجم لغوی سیر می‌دهد و تحول فرهنگ نویسی و علم لغت را بازگو می‌کند.

۶. شرح اعجاز لغوی و بلاغی قرآن کریم: در این فصل به‌طور کلی وجوه اعجاز قرآن اجمالاً و اعجاز بلاغی آن تفصیلاً تبیین شده است. باید توجه داشت که بارزترین وجه اعجاز قرآنی، اعجاز بلاغی است که در هنگام نزول، قرآن به آن تحدی می‌کرد. در این فصل مسئله مقدار و توان فهم ما از اعجاز قرآن در چهار عرصه اعجاز در کلمه، جمله، آیه و سوره مورد بررسی قرار گرفته است.

افزون بر آن، این فصل نکات و لطایف برجسته قرآن را دربردارد که با روح و هدف این معجم نیز سازگار است، و در پایان فصل به اختصار اصطلاحات علوم بلاغت «معانی، بیان و بدیع» که در لابه‌لای معجم به‌کار می‌آیند، بیان می‌گردند.

۷. بررسی تناسب الفاظ با سیاق آیات: این فصل که خود بابتی از اعجاز بلاغی قرآن و در میان مفسران مشهور است، در معجم بارها از آن بحث شده است. در این فصل به‌طور کلی رابطه میان لفظ و معنی در لغت عرب و در سایر زبان‌ها و نیز آنچه علمای لغت در گذشته و حال در پیدایش و سیر تحول لغات و ... گفته‌اند به بحث گذاشته می‌شود.

۸. فواصل آیات: گاهی در باب مناسبت کلمات با سیاق آیات بحث به «فواصل و روی آیات»؛ یعنی الفاظ آخر آیات می‌کشد، که برخی از مفسران مانند طبرسی آن را مطرح کرده‌اند. بدین منظور فواصل آیات به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است،



در حالی که علمای علوم قرآنی، از باب این که مبدا قرآن با شعر شباهت پیدا کند، آن را چنان که باید مورد بحث قرار نداده‌اند و این به نوبه خود بحثی مفید و ابتکاری است.

۹. اعجاز عددی قرآن کریم: مسئله اعجاز عددی در کلام قدما به نحو اشاره، و در عصر ما توسط دانشمند مصری - عبدالرزاق نوفل - به صورت علمی مستقل مطرح گردیده است. هر چند این مباحث خالی از تکلف نیست، اما قابل توجه است. لذا در این فصل، درباره فهرست کلماتی که وی در کتاب خود آورده بحث شده و حدود اعتبار و جایگاه این نوع از اعجاز را که در قسمت استعمال قرآنی معجم مورد بحث قرار گرفته، روشن کرده است و به همین مناسبت از نظریه آقای دکتر رشاد خلیفه که عدد «۱۹» را محور آیات قرار داده، بحث شده است.

۱۰. قراءات قرآن کریم: مسئله قراءات قرآنی و نقش آن‌ها در لغات قرآن و بلاغت آن، اهمیت علم قرائت نزد پیشینیان و علمای ادب عربی در عصر حاضر، ریشه و منشأ اختلاف قراءات، جایگاه و شأن آن‌ها از حیث تواتر یا عدم تواتر، رابطه قراءات با لهجه‌های عرب و به‌طور کلی رابطه قراءات با اعجاز قرآن و با علم «الحجّة علی القراءات» که مرحوم طبرسی در تفسیر خود به آن عنایت خاصی داشته، همه این مباحث در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۱. رسم الخط قرآن کریم: این عنوان خود یکی از علوم قرآنی است که کتاب‌هایی پیرامون آن تألیف گردیده و اختلاف نظر علما در مورد اعتبار و جایگاه این علم و ارتباط آن با ضبط الفاظ قرآن، در این فصل بررسی شده است.

۱۲. اسلوب قرآن کریم: همان‌گونه که قرآن فقه اللغة ویژه ای دارد، معتقدیم دارای اسلوب‌های ویژه و متنوعی در امر و نهی و دعا، توییح و تشویق، سؤال، انشاء و اخبار، شرط و تعلیق و... می‌باشد. بی‌گمان این موضوع سزاوار بحث دراز دامنی است، ولی در «مدخل» به ارائه مباحث عام این موضوع بسنده شده است.

۱۳. ادوات قرآن کریم: ادوات قرآنی بحث مهمی است که دو استاد مصری درباره آن‌ها کتابی نوشته‌اند به نام «معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم» که صرفاً مانند کتاب «المعجم المفهرس» آیات آن‌ها را گرد آورده‌اند، اما در این فصل، به‌طور کلی شیوه به‌کار بردن ادوات و ضمائر را در قرآن کریم مورد بحث قرار داده است که خود بخشی از سبک و اسلوب قرآن بوده، با اعجاز بلاغی آن ارتباط دارد.



این بحث، در مسائل فقهی قرآن هم مانند مسح یا غسل در وضو به لحاظ آیه ﴿و امسحوا برؤوسکم﴾ مانند بلاغت قرآن، کاربرد دارد.

۱۴. اعلام قرآن کریم: اعلام قرآنی با تنوعی که دارند خود شاخه‌ای از علوم قرآنی به شمار می‌روند و به لحاظ این که یکی از مواد و عناصر این معجم را تشکیل می‌دهند، در این فصل مورد بحث قرار گرفته و روش خاص قرآن در کاربرد اسامی و اعلام، اعم از نام اشخاص، مکان‌ها، قبایل، ماه‌ها، اوقات، کواکب و ... بیان شده است. همچنین از ریشه این گونه الفاظ که مفسران و علمای لغت غالباً آن‌ها را عربی می‌دانند، ولی اکثر آن‌ها ریشه در لغات دیگر دارند بحث شده است. و به همین خاطر در ترتیب کلمات، تلفظ آن‌ها مدنظر قرار داده شده و نه ماده اصلی، که دیگران بدان توجه نموده‌اند.

۱۵. قصص قرآن کریم: قصص قرآنی خود موضوع یکی از علوم قرآنی است و درباره آن‌ها کتاب‌های فراوانی نوشته شده است. در المعجم نمونه‌هایی از آنچه راجع به قصه‌ها در تفاسیر و تاریخ آمده ذکر شده و لذا در این فصل، روش قصه‌های قرآن به‌طور کلی به عنوان یکی از اسلوب‌های قرآن کریم و نقش آن‌ها در بلاغت قرآن کریم و روش تربیتی قرآن کریم یعنی انذار و بشارت، موعظه و عبرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۶. سوره‌های مکی و مدنی: درباره سوره‌های مکی و مدنی بسیار بحث شده و کتاب‌ها نوشته‌اند، در این فصل برای این که مناسبت کلمات با فضای نزول آیات در مکه و مدینه به خوبی نمایانده شود، این موضوع به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است، حتی چه‌بسا نظر مؤلف پس از بررسی کلمات با آنچه دیگران گفته‌اند تفاوت داشته باشد. این پژوهش، اصل کلی مورد اعتماد مؤلف را که در جای جای المعجم بر تعداد مکی و مدنی کلمات تکیه کرده روشن می‌سازد و این خود در فهم آیات الاحکام و تشریح نقش دارد.

۱۷. شمارش و عدد کلمات قرآن کریم: یکی از علوم قرآنی که قدما بدان اهمیت می‌داده و درباره آن به تفصیل سخن گفته‌اند عدد کلمات قرآن است. شمارش شهرهای مهم اسلامی از قبیل: بصره، کوفه، مدینه، مکه و شام در کتب بیان شده و از جمله مرحوم طبرسی در مجمع البیان بدان عنایت داشته است. از آن جا که در استعمال الفاظ



به کمیت آنها اهمیت داده شده است این بحث پایه‌ای برای برداشت‌های مؤلف در المعجم است که چه‌بسا با نظر دیگران متفاوت باشد.

۱۷. کشف الآیات: کشف الآیات و کتبی که در این زمینه تدوین شده‌اند در شمارش آیات نقش دارند، به خصوص در تشخیص مکی و مدنی و در تعداد آیات هر سوره، لذا در این فصل، این بحث به‌طور کامل همراه با تاریخچه این علم مورد بررسی قرار گرفته است.

اولین کشف الآیات، روش هر یک و نیز کتاب‌های کشف المطالب که از ضروریات معجم‌نگاری است در این قسمت بررسی شده است.

۱۹. فهرست کامل کلمات و واژه‌ها: معرفی کلماتی که ماده المعجم هستند و ملاک انتخاب آنها که آیا به اسماء و افعال اختصاص دارند، یا برخی از حروف هم مدّ نظر بوده، موضوع بحث در این فصل است که فهرست کامل کلمات و واژه‌های مورد استفاده در المعجم را در برمی‌گیرد.

۲۰. معرفی کامل منابع و مصادر المعجم: در این فصل مصادر و منابع المعجم و مؤلفان آنها با اشاره به چاپ‌های مختلف آنها که در فهرست ملحق به جلد اول به آنها اشاره شده به شرح آمده است.<sup>۱</sup>

قبل از ورود به گزارش دیگر مجلدات معجم این نکته را یادآور می‌شود که از مجلد دهم به بعد دو تغییر در روند چاپ کتاب رخ داده است. اول این‌که عبارت «شم استشهد بشعر» به خاطر اختصار و عدم تکرار در متن واحد در انتهای متن یک بار ذکر شده است، منتها تعداد استشهاد آورده شده؛ مثلاً «و استشهد بشعر ۱۰ مرات». دوم این‌که عنوان «الموسوعة القرآنية الكبرى» بر روی جلد اضافه شده است.

مجلد اول: در این مجلد که بخشی از حرف الف بررسی شده از واژه «آدم» تا «أذن» ۲۷ کلمه می‌باشد.

مجلد دوم: این مجلد پیرامون ۳۳ واژه قرآنی از «أذی» تا «الها» بحث شده است. با عنایت به این‌که لفظ جلاله از لحاظ تعداد از سایر اعلام بیشتر در قرآن کریم آمده است در این زمینه پژوهشی کامل و درازدامن صورت گرفته است.

۱. محمد واعظزاده، «مقدمه‌ای بر المعجم فی فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته»، مشکوة، ش ۵۶ و ۵۷.





مجلد سوم: این مجلد ۱۴ لغت را بدین شرح شامل می‌شود: ال و -ا ل ی، الیاس، الیاسین، الیسع، امت، امد، امر، امس، امل، امم، امن، امو، انث، انجیل، انس.

مجلد چهارم: این مجلد نیز به بحث پیرامون ۳۸ کلمه قرآنی «ا ن ف» تا «ب د ل» اختصاص دارد. ماده «اول» بیشترین بحث را به خود اختصاص داده و حدوداً ۸۵ صفحه را دربر گرفته است.

مجلد پنجم: این مجلد که با لوح تقدیر برگزیده شدن این کتاب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌شود، به معرفی ۳۰ واژه قرآنی از «ب د ن» تا «ب ط ل» پرداخته است. ماده «ب ص ر» در این مجلد بیشترین بحث را به خود اختصاص داده است.

مجلد ششم: این مجلد ۲۹ واژه قرآنی را به بحث نهشته است و از واژه «ب ط ن» شروع و با «ب ه ج» ختم می‌شود. در این مجلد بیشترین بحث درباره کلمه «ب ل غ» ارائه شده است.

مجلد هفتم: این مجلد به شرح ۲۸ واژه قرآنی پرداخته است که با «ب ه ل» آغاز و با «ت ل و» پایان یافته است. مدخل «ب ی ن» بیشترین بحث را به خود اختصاص داده است.

مجلد هشتم: این مجلد عهده‌دار تبیین ۳۷ واژه قرآنی است که از «ت م م» آغاز و به «ج ب ل» ختم می‌شود و درباره مدخل «ت و ب» بیشترین بحث ارائه شده است. مجلد نهم: این مجلد شامل شرح ۴۲ واژه قرآنی است که از «ج ب ن» شروع و به «ج م ل» ختم شده است و مدخل «ج ز ی» بیشترین بحث را به خود اختصاص داده است.

مجلد دهم: این مجلد شامل شرح ۳۳ واژه قرآنی است؛ ۲۳ واژه از حرف جیم و ۱۰ واژه از حرف حاء. از «ج م م» آغاز شده و با «ح ج ج» پایان یافته است و درباره مدخل «ح ب ب» بیشترین بحث ارائه شده است.

مجلد یازدهم: این مجلد ۲۴ واژه از الفاظ قرآن کریم را بررسی کرده است. از ماده «ح ج ر» شروع و به «ح س د» ختم شده است و مدخل‌های «ح س ب» و «ح ر م» بیشترین حجم را به خود اختصاص داده‌اند.



مجلد دوازدهم: این مجلد که اکنون در دست انتشار است از کلمه «ح س ر» تا «ح ق ف» شامل ۲۶ واژه می‌باشد که طولانی‌ترین بحث در ماده «ح س ن» صورت گرفته است.

و مجلد سیزدهم نیز باقی مانده حرف حاء را بررسی خواهد کرد.<sup>۱</sup> در پایان هر مجلد از این مجموعه، دو فهرست راهنما مشاهده می‌شود: اول- فهرست اعلام و مصادری که مستقیماً از آنها چیزی در کتاب نقل شده است.

دوم- فهرست اعلام و اشخاصی که با واسطه چیزی از آنها در کتاب نقل شده است.

فهرست اول شامل نام نویسنده، تاریخ وفات، نام کتاب، ناشر و محل نشر می‌باشد، که ای کاش تاریخ نشر و نوبت چاپ بدان افزوده می‌شد، تا اطلاعات کامل‌تری به محققان ارائه می‌کرد. فهرست دوم تنها شامل نام و تاریخ وفات است. جای فهرس کامل‌تر و فنی‌تر که می‌توانست بهره‌های کتاب را افزون‌تر سازد بسیار خالی است.

گفتمنی است در زمینه ادوات و ضمائر قرآن کریم نیز مقرر است که با همین شیوه پژوهش دامنه‌داری سامان داده شود که تاکنون مقدمات کار فراهم شده است، اما روند کار به خاطر حجم گسترده خود المعجم به کندی پیش می‌رود، امید است که با توجه به اهمیت موضوع و نقش ویژه ادوات و حروف در تفسیر قرآن کریم، به زودی شاهد رونق این بخش از این کار بزرگ باشیم.

۲۴

### هدف کتاب

هدف از تألیف کتاب المعجم، ایجاد یک دایرة المعارف درباره قرآن است که حاوی مطالبی درباره غریب القرآن، مفردات القرآن، متشابه القرآن، معانی القرآن و جنبه‌های دیگر مربوط به فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن باشد. لذا این کتاب را از

---

۱. با تشکر از بذل توجه جناب حجة الاسلام و المسلمین مؤمن‌زاده، معاون محترم گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.





جهتی می‌توان جزء کتاب‌های غریب القرآن، مفردات القرآن، اعجاز القرآن، تفسیر موضوعی بر اساس کلمات و ... برشمرد.

با توجه به وجود نص‌های لغوی و تفسیری، وجوه و نظائر، اختلاف قرائت‌ها، معضلات اعراب، به همراه تحقیقات بدیع و ابتکاری در فقه اللغة قرآن و روش به‌کارگیری کلمات در قرآن، می‌توان گفت که این کتاب، دایرة المعارفی جامع و تحقیقی درباره قرآن است که همه مزیت‌های کتاب‌های متقدمان و متأخران را به همراه مطالبی نو و ابتکاری دربردارد.

تاکنون کتابی جامع و محققانه درباره قرآن با این وسعت و عظمت در دنیای اسلام به رشته تحریر در نیامده است و این از برکات عالم آل محمد، حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است.

با انتشار یازده مجلد از این کتاب، گوشه‌ای از اهمیت کتاب و تلاش خستگی‌ناپذیر خادمان به ساحت مقدس قرآن آشکار گردیده است،<sup>۱</sup> به‌گونه‌ای که مقام معظم رهبری آن را بی‌نظیر توصیف کرده و آن را فراتر از یک معجم دانسته‌اند. همچنین بسیاری از شخصیت‌های علمی جهان و کشور از آن به صورت کتبی و شفاهی تمجید نموده‌اند و تاکنون پنج مرتبه حائز رتبه نخست جشنواره‌های مختلف فرهنگی شده و لوح تقدیر دریافت نموده است.<sup>۲</sup>

در پایان این نوشتار، دو مدخل را به عنوان نمونه به بررسی می‌نشینیم.

### بررسی کلمه «آزر»

#### متون لغوی و تفسیری

در این بخش حدود پنجاه قول یا به عبارت بهتر پنجاه گفتار را از پنجاه شخصیت علمی برجسته درباره «آزر» می‌آورد که برخی از آنها خیلی کوتاه و برخی به‌گونه‌ای درازدامن درباره این‌که آزر چه کسی بوده به بحث نشستند.

۱. محمدحسن مؤمن‌زاده، «گزارشی از کتاب المعجم فی فقه لغة القرآن و سرِّ بلاغته»، پژوهش و حوزه، سال سوم، ش ۹، بهار ۸۱.

۲. محمد واعظ‌زاده و همکاران، المعجم فی فقه لغة القرآن و سرِّ بلاغته، مقدمه کتاب.

## اصول لغوی

در این بخش چهار قول دربارهٔ این که آزر از چه زبانی گرفته شده و نحوه اشتقاق آن چگونه است ذکر می‌کند، قولی را که معتقد است کلمه آزر فارسی و به معنای رجل الهمّ (مرد پیر) است رد می‌کند و در مورد سه قول دیگر سکوت می‌کند. البته در مورد قولی که می‌گوید عبری است یک شاهد از تورات می‌آورد. قولی را که می‌گوید سریانی است توضیح نمی‌دهد، ولی دربارهٔ قولی که می‌گوید «آزر» واژه ای عربی است توضیح می‌دهد. معمولاً در نحوه اشتقاق شاهد مثال نیز می‌آورد یا به تعبیر دیگر، نظیر آن اشتقاق را در آن زبان ذکر می‌کند.

## استعمال قرآنی

در این بخش ضمن این که به مقدار ورود کلمه در قرآن می‌پردازد و می‌گوید یک بار در قرآن به کار رفته، خاطر نشان می‌کند که مفسران درباره او دو دیدگاه دارند:

۱. اسم پدر ابراهیم است.
۲. اسم پدر ابراهیم نیست.

در این جا ضمن پرداختن به دلایل هر یک، رأی قوی را بیشتر توضیح می‌دهد و گاهی به برخی از مشکلات موجود در مبحث اشاره می‌کند.

۲۶

## بررسی ماده «أول»

نخست دو گزارش از کاربرد ماده «اول» در قرآن کریم ارائه شده است.

### گزارش آماری نخست:

در این گزارش بیان شده است که از این ریشه مجموعاً ۸ لفظ در قرآن کریم آمده است و این ۸ لفظ روی هم رفته ۷۹ بار در قرآن تکرار شده است که ۶۶ مرتبه مکی و ۱۳ مرتبه در سوره‌های مدنی است. و از لحاظ تعداد سوره‌ها مجموعاً ۳۶ سوره که ۲۸ سوره مکی و ۸ سوره هم مدنی هستند.

### گزارش آماری دوم:

در این بخش تک تک الفاظ هشت‌گانه به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

واژه تأویل ۷ بار در قرآن آمده و همگی در سور مکی است.

واژه تأویلاً ۲ بار در قرآن وارد شده، یک بار در سور مکی و یک بار در سور مدنی.



واژه تأویله ۸ بار در قرآن استفاده شده است، ۶ بار در سور مکی و ۲ بار در سور مدنی.

واژه أول ۲۱ بار در قرآن مطرح شده است، ۱۵ بار در سور مکی و ۶ بار در سور مدنی.

واژه الأول ۲ بار در قرآن آمده است، یک بار در سور مکی و یک بار در سور مدنی.

واژه لأولنا یک بار در قرآن وارد شده است و آن هم در سور مدنی است.  
واژه الأولون ۶ بار در قرآن وارد شده است، ۵ بار در سور مکی و یک بار در سور مدنی.

و در پایان واژه الأولین ۳۲ بار در قرآن آمده است که ۳۱ بار در سور مکی است و یک بار در سور مدنی.

همان‌گونه که از این گزارش برمی‌آید در المعجم واژه‌ها به خاطر برخی از ملاحظات، مثل مفرد، تثنیه و جمع، معرفه، نکره، مضاف و غیرمضاف، مرفوع، منصوب و مجرور و ... به صورت جداگانه گزارش شده‌اند.

### بخش دوم: متون لغوی

در این بخش که با بیان گفتاری از العین خلیل بن احمد فراهیدی آغاز شده، با رعایت ترتیب زمانی حدود ۴۰ گفتار از علمای لغت و سایر دانشمندان در ۱۵ صفحه آمده است و با گفتار آقای حسن مصطفوی در التحقیق، این بخش پایان می‌یابد.

### بخش سوم: متون تفسیری

از این بخش ابتدا ۸ واژه‌ای که در گزارش آماری دوم بدان‌ها اشاره شده از منظر مفسران با رعایت ترتیب زمانی مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس برخی از واژه‌هایی که در آن جدول نیامده، ولی به نوعی با ماده اول مرتبط است آورده می‌شود و جداگانه مورد بررسی قرار گیرد؛ مانند الأولى، أولیهما، أولیهم، أولوا العلم، أولوا القربی، أولوا الارحام، أولوا الطول، أولوا العزم، أولى.

این که چرا این واژه‌ها در جدول آماری گزارش نشده، نیامده است؛ شاید در برخی از قسمت‌ها تردید در ریشه کلمه و در برخی از قسمت‌ها فرق نهادن میان مذکر و مؤنث و ... باشد. به هر حال این مسئله به توضیح مؤلفان محترم نیاز دارد.



### بخش چهارم: وجوه و نظایر

در این بخش به بررسی دو واژه مهم در این ماده می‌پردازد و لذا برای واژه تأویل پنج وجه ذکر می‌کند، شامل: مدت عمر محمد و امت محمد، عاقبت وعده و وعید خداوند، تعبیر خواب، وقوع و محقق شدن امر، انواع غذا. و برای ماده اول ۱۲ وجه ذکر می‌کند، که به منظور پرهیز از اطناب از ذکر آن خودداری می‌شود.

### بخش پنجم: اصول لغوی

در این بخش ابتدا به معنای اصلی ماده که رجوع و بازگشت باشد اشاره می‌کند و این‌که با توجه به متعلق فعل معنا تغییر می‌کند و سه معنا را می‌رساند:

۱. آل الدواء الی التلت: رجوع.

۲. اول الیه الشیء: ارجعه و اول الکلام: فسره.

۳. آل الرجل رعیته: احسن سیاستها.

در ادامه به بحث دامنه‌داری پیرامون چند واژه می‌پردازد، ضمن بیان اقوال به جرح و تعدیل آن‌ها پرداخته، معمولاً به قول اصح اشاره می‌کند و دلایل خود را در این زمینه یادآور می‌شود که به اختصار گزیده‌ای از مباحث مطرح شده را خاطر نشان می‌کنیم:

۱. آل از ماده اول است و نه اهل، لذا آل و اهل دو واژه جدا از هم هستند، هر چند از لحاظ معنوی با هم قرابت دارند.

۲. واژه آلاولی از «ول ی» و واژه الموئل از ماده «وال» و واژه الائل از ماده «الی ل» می‌باشد نه از ماده «اول» و ...

۳. در واژه «اول» اختلاف شدیدی میان لغت‌شناسان و دانشمندان نحوی وجود دارد؛ چنان‌که آنان درباره ریشه این واژه به چهار نظریه قائل‌اند که این چهار نظریه به دو اصل برگشت می‌کند: اول یا وُل.

هر یک از این دو ریشه نیز طرفدارانی دارد. حتی گاهی میان دو معجم که از یک مرکز علمی و پژوهشی منتشر شده است در انتخاب ریشه «اول» اختلاف و دگرگونی وجود دارد که البته با وجود فاصله زمانی میان چاپ معجم‌ها شاید اختلاف نظر در این واژه به دست‌اندرکاران هر یک از معجم‌ها برگردد.

### بخش ششم: استعمال و کاربرد قرآنی



### محور اول:

ابتدا گزارشی از آیاتی که کلمه تأویل در آنها وجود دارد آورده شده است، سپس در تبیین معنای تأویل به چند نکته اشاره می‌شود:

نکته اول- تأویل در هر جا استعمال شده به معنای لغوی یعنی رجوع به اصل و غایت به کار رفته مگر در «أحسن تأویلاً» (آیه ۵۹ سوره نساء) که در آنجا به معنای مصدری (تأویل کردن) و یا عاقبت و مآل می‌باشد.

نکته دوم- هشت مورد از استعمال واژه تأویل در سوره یوسف است که دو معنی برای آن ذکر شده است:

۱. تعبیر خواب. ۲. تبیین و تفسیر کتب انبیای پیشین.

البته دیدگاه اول با سیاق سوره یوسف سازگارتر است.

نکته سوم- واژه تأویل دو بار درباره اعمال حضرت خضر علیه السلام و یک بار درباره ایفاء کیل و یک بار درباره رجوع به خداوند و رسول الله در هنگام تنازع و دو بار درباره تأویل آیات متشابه آمده است و سه مورد هم درباره قیامت و تأویل امر الهی در قرآن است.

۲۹

نکته چهارم- از آنچه گذشت روشن می‌شود که غیر از معنای لغوی وجه جامعی میان استعمالات گوناگون واژه تأویل یافت نمی‌شود.

نکته پنجم- در زمینه تأویل متشابه بحث‌های فراوانی وجود دارد که در محل خودش یعنی ماده «ح ک م» و «ش ب هـ» مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدانجا ارجاع داده شده است.

### محور دوم:

از آنجا که در مورد ریشه واژه آل بین «أول» و «أهل» تردید وجود دارد، بحث اصول لغوی و استعمال قرآنی این واژه در ماده «أول» آورده شده و سایر مباحث آن به صورت جداگانه ذکر شده است.

این واژه ۲۶ بار در قرآن کریم آمده است که آیات آن فهرست‌وار به همراه معنای مراد در آن آیه یا آیات آورده شده است. سپس به عنوان نتیجه بحث، به چند نکته اشاره شده است.

نکته اول- واژه آل فقط برای شش پیامبر آمده است؛ یعنی ابراهیم، هود، یعقوب، موسی، هارون و داوود، البته عمران پدر مریم نیز به آنان ملحق شده است. البته سرّ این کار به خوبی روشن نیست. شاید علت آن نزدیکی این بزرگواران به پروردگار یا کثرت ذریه آنها و یا این که انبیاء از ذریه آنها هستند، باشد.

نکته دوم- زوجه جزء آل شمرده می‌شود، لذا در قرآن زن لوط از آل خودش خارج شده و زن فرعون جزء آل فرعون شمرده شده است.

نکته سوم- واژه اهل در قرآن کریم نظیر و هم‌معنای «آل» است؛ یعنی اهل هم به معنای زن و عیال و هم به معنای عشیره و خویشاوندان آمده است.

نکته چهارم- در قرآن کریم اتباع و انصار در آل داخل شده و زن از آل خارج شده، ولی در مورد اهل، اتباع و انصار در آن داخل نیست، ولی فرزند از آن خارج شده است؛ مثل فرزند نوح.

این مسئله قول کسی را تأیید می‌نماید که «آل فلان» را به «بازگشت نسبی یا دینی به وی» معنی کرده است.

#### محور سوم:

در این بخش واژه الاول و الاولی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته بر اساس نظری که ریشه این واژگان را ماده «اول» می‌داند. در این بخش نیز مانند سایر واژگان ابتدا معانی و وجوه متعدد واژه را با ذکر آیات مورد بررسی قرار می‌دهد که به خاطر اختصار ذکر نمی‌شود، سپس به عنوان نتیجه چند نکته را یادآوری می‌کند:

نکته اول- در قرآن کریم اول به معنای سابق استعمال شده است، ولی سابق به معنای اول استعمال نشده است.

و در مورد معنای الاولون در «السابقون الاولون» سه معنا گفته شده است:

۱. السابقین، مثل «السابقون السابقون» (واقعہ / ۱۰).

۲. الاسبقین و علت این که از واژه اولون به جای اسبقین استفاده کرده کاربرد اندک افعال التفضیل واژه سبق در زبان عربی است.

۳. نظر صحیح. این سابقین دو گروه بودند:

الف- السابقون الاولون.

ب- السابقون بعد الاولین.



نکته دوم- بین الاول، الاولین و الاولی با الآخر، الآخرین و الاخری در قرآن کریم صنعت طباق و مطابقه یا به تعبیر بهتر تضاد به کار رفته است؛ مثال: «هو الاول و الآخر» (حدید/۳).

گفتنی است در ماده‌هایی که بحث به درازا می‌کشد در ابتدای کتاب فهرستی برای عناوین اصلی بحث می‌آورد که در زیر از نظر می‌گذرد:

ماده:	أمن
النصوص اللغویة	۴۳۳
النصوص التفسیریة	۴۴۴
الوجوه و النظائر	۶۷۵
الاصول اللغویة	۶۷۷
الاستعمال القرآنی	۶۷۹

در پایان باید توجه داشت که در المعجم هر چند روند بحث در قالب شش عنوان کلی مطرح شده است، ولی با توجه به گستره مباحث امکان دارد در برخی از ماده‌ها تقسیمات ویژه‌ای صورت پذیرد؛ به عنوان مثال در ماده «أ م ن» ضمن این که أَمِنَ و أَمِنَ جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است هر یک از مشتقات این ماده با توجه به مواردی از قبیل: مفرد، تشبیه، جمع، مضاف و غیرمضاف، معرفه و نکره، تعدی به حرف جر و ... به صورت جدا و با تقسیم‌بندی خاص مورد بحث قرار گرفته است.

